

حق تمسخر:

ماجرای کاریکاتورهای پیامبر اسلام از دید رانالد دوارکین

عبدی کلاتری، ۷ مارچ ۲۰۰۶ - در مقاله‌ای که این هفته در آمریکا منتشر شد، رانالد دوارکین، از مهمترین فیلسوفان حقوق در دنیای انگلیسی زبان و نام آورترین مفسّر مسائل حقوقی در آمریکا، ابراز عقیده می‌کند که اصل آزادی بیان، شرط امکانِ دموکراسی و شرط مشروعیت یک حکومت دموکراتیک است و هرگز نباید با نیتِ جلوگیری از تمسخر یا اهانت، آنرا مقید کرد. در یک نظام دموکراتیک، برای آنکه مشروعيتِ قوانین همواره برقرار باشد، هیچ کس حق ندارد از گزندِ اهانت مصون بماند.

رانالد دوارکین (Ronald Dworkin)، در کنار جان رالز که چهار سال پیش درگذشت، از سرشناس‌ترین فیلسوفان حقوق و سیاست در آمریکا محسوب می‌شود. او ادامه دهنده معاصر فلسفه ایمانوئل کانت است که از دیدگاهی اخلاق‌شناسانه یا «دئونتالوژیکال» بر خود اختارت، آزادی، و حقوق فردی تأکید می‌ورزد. در نظامهای دموکراتیک، فلسفه حقوق شاخه‌ای از فلسفه است که به پرسش‌های بنیادی نظام قانونی یک جامعه پاسخ می‌دهد و ارتباط قانون با اخلاقیات را نیز روشن می‌کند. فلسفه حقوق که در غرب سرچشم‌گرفته است، همچنین به شرایط و الزاماتِ «آزادی بیان» به عنوان حق نیز می‌پردازد.

رانالد دوارکین، در مقاله‌ای که این هفته در نشریه «نیویورک ریویو آو بوکز» (۲۳ مارچ) منتشر شد، در برابر یک اشتباه رایج هشدار می‌دهد، اشتباهی که ناشی از بدفهمی اساس فلسفیِ دموکراسی است: این که گویا آزادی بیان دارای حد و حدودی است و باید «توازنی» میان حق آزادی بیان و چیزی نامعین و تعریف نشده به عنوان «رعایت حال فرهنگ‌های دیگر» برقرار کرد، که آزادی بیان تبدیل به «اهانت» یا «تمسخر» نسبت به گروه، مذهب، یا فرهنگی دیگر نشود.

دوارکین می‌نویسد: «آزادی بیان تنها یک مظهر و نشانه ویژه فرهنگ غربی نیست که بتوان آن را، از روی گشاده دستی، محدود یا تابع شرط و شروطی کرد، تا از این راه احترام فرهنگ‌های دیگر که این حق را نمی‌پذیرند محفوظ بماند - درست شیوه به اینکه در یک نمایشگاه مسیحی برای رعایت حال دیگران یک مناره یا هلال را هم اضافه کنیم. بیان آزاد، شرطِ حکومتِ مشروع است. قوانین و سیاست‌ها، مشروع

نخواهند بود مگر اینکه از یک روندِ دموکراتیک بیرون آمده باشند؛ و یک روند هرگز دموکراتیک نخواهد بود اگر حکومت، فرد یا افرادی را از بیان اعتقادات اش در بارهٔ چگونگی آن قوانین و سیاست‌ها باز بدارد.»

دوارکین معتقد است آنچیزی که «تمسخر» می‌نامیم نوع خاصی از بیان است که محتوای آن را نمی‌توان باسته بندی دیگری که محترمانه تر باشد ارائه کرد، زیرا اگر بخواهیم شکل آنرا عوض کنیم، دیگر با همان بیان سرو کار نداریم. از همین رو، کاریکاتور در کنار اشکال دیگری از طنز و هجو، طی قرن‌ها از حربه‌های مهم جنبش‌های سیاسی، چه باهدف نیک و چه شریرانه، بوده است.

دوارکین می‌نویسد: «بنابر این، در یک دموکراسی هیچ کس، چه قدرت مند و چه فاقد قدرت، حق ندارد از گزند اهانت مصون باشد. این اصل به ویژه در کشوری از نهایت اهمیت برخوردار است که در راه انصافِ نزادی و اخلاقی تلاش می‌ورزد. اگر اقلیت‌های ضعیف یا نامحبوب در میان جمع، بخواهند در برابر تبعیضات اقتصادی یا حقوقی توسط قانون محافظت شوند – برای مثال اگر آنها طلب می‌کنند که قوانینی آنها را از تبعیض در کاریابی و استخدام مصون نگه دارد – باید پذیرند که از سوی مخالفان شان، کسانی که مخالف تصویب آن قوانین حفاظتی هستند، مورد اهانت یا تمسخر قرار بگیرند؛ زیرا فقط جامعه‌ای که چنین اهانت‌هایی را، به عنوان بخشی از مناظره عمومی، مجاز می‌شمارد است که مشروعیت تصویبِ قوانین مورد بحث را دارا است. اگر ما انتظار داریم که افراد تبعیضگر یا متعصب، سرانجام تن به رأی اکثریت و قوانینِ مصوبه اکثریت بدنهند، باید در روند رأی گیری برای آن قوانین، بیان اهانت آمیز این افراد را نیز تحمل کنیم [اگر تحمل نکنیم، آنها نیز موظف نخواهند بود قوانین تصویب شده را گردن بنهند].»

بنا به همین دلیل، دوارکین معتقد است در آن عده از کشورهای اروپایی که انکارِ آدم سوزی هیتلری (هالوکاست) غیر قانونی شده، باید آن قوانین را ملغاً کرد.

در برابر این گفته که دین و اعتقاداتِ مذهبی افراد، مورد خاصی است که مرکزیت وجود شخصی آنها را شکل می‌دهد و بنابر این باید برای این افراد در برابر تمسخر، مصونیت ایجاد کرد، دوارکین اعتقاد دارد چنین استثنایی را نمی‌توان و نباید قائل شد. البته تردیدی نیست که کسانی که به دین افراد توهین می‌کنند می‌توانند مورد انتقاد قرار بگیرند. اما این دین است که باید اصول دموکراسی را پذیرد، نه اینکه دموکراسی اصول دین را. دوارکین نتیجه می‌گیرد: «هیچ دینی حق ندارد تعیینِ تکلیف کند که چه چیزی

باید به تصویر در بیاید یا نیاید، به همان شیوه که حق ندارد تعیین تکلیف کند چه غذایی را می باید خورد یا نخورد. اعتقادات دینی هیچ فردی نمی تواند اصل آزادی بیان را که شرط امکان دموکراسی است کنار بزند.»

*Abdee Kalantari
March 7, 2006*

مهم ترین کتاب های رانالد دوارکین:

- Taking Rights Seriously (1977)
- A Matter of Principle (1985) This book includes the article *Is there really no right answer in hard cases?* and "Liberalism" (1978).
- Law's Empire (1986)
- Philosophical Issues in Senile Dementia (1987)
- A Bill of Rights for Britain (1990)
- Life's Dominion (1993)
- Freedom's Law (1996)
- Sovereign Virtue (2000)
- Justice in Robes (2006)

کتاب هایی که راجع به فلسفه دوارکین نوشته شده:

- Marshal Cohen (ed.), *Ronald Dworkin and Contemporary Jurisprudence*. London: Duckworth, 1984.
- Stephen Guest, *Ronald Dworkin*. Stanford: Stanford University Press, 1991.
- Alan Hunt (ed.), *Reading Dworkin Critically*. New York and Oxford: Berg, 1992.
- Justine Burley (ed.), *Dworkin and His Critics*. Oxford: Blackwell Publishing, 2004.
- Scott Hershovitz, *Exploring Law's Empire: The Jurisprudence of Ronald Dworkin*. Oxford: Oxford University Press, 2006.